



معنی واژگان و نکات قواعدی عربی 3 درس اول

لغة

## الحضارات : تمدن ها

تَدُلُّ عَلٰی : نشان می دهد

**يُنْقَذَ : نجات دهد**

مَرصُوص : آهَنين

## ما یلی : آنچه می آید

### نَحَاس : مس

## السيرة : روش و کردار ، سرگذشت

## الشعائر : مراسم

الصِّراع : کشمکش = النزاع ≠ السِّلْم

## عَلَّقَ : آویخت

بَدُّوْا يَتِهَامِسُوْنَ : شروع به پچ پچ کردند اَلْفَاسُ : تبر « جمع: الفؤوس »

( ماضى : تَهَامَسَ / مضارع : يَتَهَامَسُ )      الْقُرَابِين : قربانى ها « مفرد : الْقُرْبَان »

التَّجَنُّبُ : دوری کردن  
الْكَيْفُ ، الْكَيْفُ : شانه « جمع: الأكتاف »

( ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ )      كَسَرَ : شکست

حَرْقَ : سوزاند  
لا تَكُونَنَّ : هرگز نباش « لا تَكُنْ : نباش + حرف  
تأکید نَ » ← (ماضی : کان/ مضارع :

## الْحَنِيفُ : يكتايرست (يكون)

النَّقُوشُ : کنده کاری ها ، نگاره ها  
« مفرد: النَّقْش »



ممکنه زمانی به فعلی بر بخورید که لِ دقیقاً به ابتدای آن افزوده شده است. مثلاً لَيَنْصُرُ  
برای ترجمه این فعل ها می بایست فعل را به صورت **امرالترامی** ترجمه کنید حالا متناسب خود فعل میتونه ماضی التزامی یا  
مضارع آن باشد. تشخیص این نوع فعل ها هم خیلی راحت فقط کافیه به **مجزوم بودن** فعل دقت کنید  
مثلاً: نَشْكُرُ = شکر می کنیم ← لَنْشْكُرَ = باید شکر کنیم



**مجزوم کردن فعل یعنی حذف «ن» آخر و یا اعراب آخر هر فعل.**  
\*\* دقت کنید که «ن» آخر صیغه 12 افعال قابل حذف نیست.



برای ساختن فعل مستقبل فقط کافیه « سَ » یا « سَوْفَ » به ابتدای فعل مضارع آن اضافه کنید.  
يَجْعَلُ = قرار میدهد ← سَيَجْعَلُ یا سوف يَجْعَلُ = قرار خواهد داد



در ترجمه باب (مفاعلة) میان فاعل و مفعول به از کلمه (با) استفاده می کنیم.  
مانند: جَاهِدَ الْمُسْلِمُونَ الْكُفَّارَ. (مسلمانان با کفار جهاد کردند)



در ترجمه جمله های فعلیه ، به نوع (ماضی ، مضارع ، امر) و صیغه ی فعل ، تعداد فاعل (مفرد ، مثنی ، جمع) ، دقت  
می کنیم و فاعل را در اوّل جمله و فعل را در آخر جمله ترجمه می کنیم.  
خَرَجَ الطُّلَابُ مِنَ الصَّفِّ. (دانش آموزان از کلاس خارج شدند.)

# « الحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ »

\* با معانی دقیق حروف پرکاربرد آشنا شوید: « إِنَّ ، أَنْ ، كَأَنَّ ، لَكِنَّ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ »

**إِنَّ:** جمله پس از خود را تأکید می کند و به معنای « قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان » است؛ مثال:

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ التَّوْبَةُ : 120  
بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

**أَنَّ:** به معنای « که » است و دو جمله را به هم پیوند می دهد؛ مثال:

﴿... قَالَ أَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ الْبَقَرَةُ : 259  
گفت میدانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

**كَأَنَّ:** به معنای « گویی » و « مانند » است؛ مثال:

﴿كَأَنَّكَ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ﴾ الرَّحْمَن : 58  
آنان مانند یاقوت و مرجان اند.

**كَأَنَّ:** إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ.

گویي خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی آید.



**لَكِنَّ:** به معنای « ولی » و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله ی قبل از خودش است؛ مثال:

﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ الْبَقَرَةُ : 243  
بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

**لَيْتَ:** به معنای « کاش » و بیانگر آرزوست و به صورت « یا لیت » هم به کار می رود؛ مثال:

﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً﴾ النَّبَأُ : 40  
و کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم!

**لَعَلَّ:** یعنی « شاید » و « امید است »؛ مثال:

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ الزُّخْرُفُ : 3

بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

فعل مضارع در جمله دارای « لَعَلَّ » و « لَيْتَ » به صورت « مضارع التزامی » ترجمه می شود؛ مثال:

شاید حمید سفر کند!

کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!

کاش همه شهرهای کشورم را ببینم!

لَعَلَّ حَمِيداً يَسَافِرُ!

لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ!

لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِي!



فعل ماضی را در جمله ی دارای «لَئْتَ» با توجه به جایگاهش در متن میتوان «ماضی استمراری» ترجمه کرد؛  
مثال: لَئْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ! کاش ناصر از تنبلی دوری می کرد!

تذکر مهم: در ترجمه ی صحیح فعل بعد از لَئْتَ و لَعَلَّ باید به سیاق عبارت توجه کرد.  
ترجمه، هنر و علم است و با ذوق و باید سلیقه ی مترجم همراه توانمندی های زبانی مانند شناخت ویژگی های زبان مبدأ و مقصد باشد.

### « لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ »

تاکنون با سه معنای حرف «لا» آشنا شده اید.

1- لای معنای «نه»: در پاسخ به «هَلْ» و «أَ» مانند أَأَنْتَ مِنْ بُنُورٍ؟ لا، أَنَا مِنْ بَیْرَجَنْد.

2- لای نفی مضارع: مانند لَا يَذْهَبُ: نمی رود.

3- لای نفی: مانند لَا تَذْهَبُ: نرو.

4- و به معنای «نباید» بر سر فعل مضارع اَوَّل و سوم شخص: مانند لَا يَذْهَبُ: نباید برود.

در این درس با معنای دیگری برای لا آشنا می شوید.

معنای چهارم «هیچ .... نیست» می باشد و لای نفی جنس نامیده و بر سر «اسم» وارد می شود؛

مثال:

.... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ... ﴿البقرة: 32﴾

جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست)

اَكْثَرُ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست.



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (1) و (2): تَرَجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ وَ الْحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الزُّمَرُ : 56

اکنون روز رستاخیز است، اما شما نمی دانستید!

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾ 3 الصَّفَّ : 4

خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او در یک ردیف (مراد متحد و یکپارچه) پیکار می کنند گویی بنایی اهنین اند.

لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (ع)

هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس نیست.

لَا فَقْرَ كَالْجُهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (ع)

هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (3): اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ.

﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الزُّمَرُ : 9

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابر هستند؟ (حرف نھی)

﴿... رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: 286

پروردگارا، آنچه توانش را نداریم بر ما **تحمیل نکن**. (حرف نفی)



سوال اول ( «يَجِبُ أَنْ نَسْمَحَ لِأَصْدِقَائِنَا أَنْ يَطْرَحُوا عَلَيْنَا مَشَاكِلَ حَيَاتِهِمْ لَعَلَّنَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَزِيلَهَا!»

1. واجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بیان کنند شاید بتوانیم آنها را حل نماییم!
2. ما به دوستان خود اجازه می دهیم که با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما، بتوانیم آنها را از بین ببریم!
3. باید به دوستان خود اجازه بدهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آنها را برطرف کنیم!
4. بر ما واجب است اجازه ی مطرح کردن مشکلات را به دوستان خود بدهیم امید است که بتوانیم آنها را زایل کنیم!



پاسخ سوال اول)

گزینه ۳

در گزینه ۱ : «بخواهیم» و «زندگی» نادرست اند.

در گزینه ۲ : «می دهیم» و «با مطرح کردن» نادرست اند و «لعل» به معنی «شاید» در این گزینه ترجمه نشده است.

در گزینه ۴ : اجازه ی مطرح کردن و امید است نادرست اند و «زندگیشان» ترجمه نشده است.





سوال دوم ( أىُّ عبارة لا تشتمل على الحروف المشبَّهة بالفعل ؟

1. ذهب رسول الله يوماً الى المسجد فوجدَ هناك رجلاً يتعبد.
2. قال: أخى....ليتَه يُصلّى مثلى.
3. إنّ أخاك لأحقّ منك بالجنة.
4. فقال: أخى، يتكفل معاش أهل بيتى، لكنّه لا يتعبّد مثلى.



پاسخ سوال دوم)  
گزینه ۱

در گزینه ۲ : «لَيْتَ» از حروف مشبَّهه ی به فعل است.  
در گزینه ۳ : «إِنَّ» از حروف مشبَّهه ی به فعل است.  
در گزینه ۴ : «لَكِنَّ» از حروف مشبَّهه ی به فعل است.